



# سازوکار امنیتی خاورمیانه علمیه ایران

## بررسی گزارش اخیر واشنگتن پست درباره همکاری نظامی امنیتی ۶ کشور عربی با اسرائیل

برای محرمانه ماندن برگزاری آن به جای ورود به خاک قطر از طریق فرودگاه‌های غیرنظامی، مستقیماً به پایگاه العدید پرواز کرده‌اند. براساس این مدارک، همکاری‌های نظامی و امنیتی چندجانبه کشورهای عربی و اسرائیل تحت نظارت آمریکا، در حوزه‌های مختلف در جریان بوده است. این اسناد نشان می‌دهد که گام‌های عملی سازوکار دفاع هوایی مشترک در خاورمیانه که سال‌ها مورد بحث کشورهای عربی و آمریکا قرار داشت، در چارچوب این سازوکار در حال پیگیری بوده است. همچنین ایجاد «مرکز سایبری مشترک خاورمیانه» تا پایان سال ۲۰۲۶ و «مرکز هم‌جوشی اطلاعاتی» به عنوان محلی برای «برنامه‌ریزی، اجرایی‌سازی و ارزیابی عملیات در فضای اطلاعاتی» در دستور کار این سازوکار قرار داشته است.

### سیاست بیکارچه و منسجم خاورمیانه‌ای آمریکا

اطلاعات منتشرشده توسط واشنگتن پست نشان می‌دهد که سیاست خاورمیانه‌ای آمریکا در طول سال‌های گذشته، به‌رغم تغییر دولت‌ها در این کشور تا چه اندازه پایدار و بیکارچه باقی مانده است. از تلاش برای ادغام اسرائیل در منطقه، مقابله با خطر ایران گرفته تا

غزه، برای همکاری با این طرح اعلام آمادگی کرده‌بودند، هرچند در بیانیه آنها اشاره‌ای به تعهد حضور نظامی در سرزمین‌های اشغالی پس از آتش‌بس نشده بود. این سازوکار منطقه‌ای بر اساس مدارک در دسترس از سال ۲۰۲۲ و یک سال پیش از آغاز جنگ غزه شکل گرفته بود و حتی حملات اسرائیل به غزه و ایران هم نتوانست برگزاری منظم جلسات آن را مختل کند، هرچند به نوشته واشنگتن پست بعد از حمله اسرائیل به خاک قطر در تاریخ ۹ سپتامبر، برگزاری نشست‌های مشترک این سازوکار منطقه‌ای متوقف شده است. بر اساس این اسناد، اصلی‌ترین دلیل شکل‌گیری این سازوکار، نگرانی از آنچه «تهدید ایران» خوانده شده است، بود. در یکی از این اسناد، ایران و متحدان منطقه‌ای‌اش با عنوان «محور شرارت» نامگذاری شده‌اند. به نوشته واشنگتن پست، عربستان سعودی نقش فعالی در این سازوکار بازی کرده است و اطلاعات خود را با شرکای حاضر در سازوکار از جمله اسرائیل در میان گذاشته است. همچنین یکی از کنفرانس‌های این سازوکار، به‌رغم فقدان روابط دیپلماتیک میان قطر و اسرائیل، در پایگاه آمریکا العدید در قطر برگزار شده است. به نوشته واشنگتن پست، مقام‌های اسرائیلی حاضر در این کنفرانس

### تحولات منطقه

#### شهاب شهسواری

خبرنگار گروه دیپلماسی



بر اساس اسنادی که به تازگی از وزارت جنگ آمریکا در دسترس شده است، ۶ کشور عربی منطقه در چارچوب سازوکار منطقه‌ای که ایالات متحده آمریکا ایجاد کرده بود، تا اواخر تابستان سال جاری در حال همکاری‌های نظامی و امنیتی با اسرائیل بودند. بر اساس این اسناد که روز شنبه محتوای آن توسط روزنامه واشنگتن پست گزارش شد، ۶ کشور عربی منطقه تحت نظارت سنسنگام (فرماندهی مرکزی ارتش ایالات متحده آمریکا) در جلسات منظم با مقام‌های نظامی و امنیتی اسرائیل در چارچوب یک سازوکار امنیتی منطقه‌ای که با هدف مقابله با تهدید ایران و گروه‌های متحد ایران در منطقه ایجاد شد، شرکت کردند. مصر و اردن (دو کشور عربی که در دهه‌های پیش با اسرائیل پیمان صلح امضا کرده‌اند)، امارات متحده عربی و بحرین (دو کشور عربی که در دور نخست ریاست‌جمهوری دونالد ترامپ در چارچوب پیمان‌های ابراهیم با اسرائیل روابط دیپلماتیک برقرار کردند) و قطر و عربستان سعودی (دو کشور عربی که به صورت رسمی رابطه دیپلماتیک با اسرائیل ندارند) در این چارچوب امنیتی مشارکت داشتند. از میان این شش کشور، اخیراً پنج کشور با صدور بیانیه‌ای مشترک با حمایت از طرح آتش‌بس دونالد ترامپ برای



برندتابوندی‌ترین منافع ملی را تأمین کند. متأسفانه دستگاه سیاست‌خارجی جمهوری اسلامی ایران نه در حوزه مذاکرات هسته‌ای و نه در حوزه منطقه‌ای به خوبی و هوشمندانه اقدام نکرده است. سیاست منطقه‌ای ایران نصفه و نیمه و دچار اشکال اساسی است. مانده در خصوص فلسطین اقدام مناسبی انجام دادیم، نه در خصوص لبنان و نه در خصوص سوریه. برای مثال در سوریه نزدیک به یک سال است که وضعیت به شکل بنیادین تغییر کرده است، اما سیاست ما همچنان بدون تغییر باقی مانده است. در جهان فقط ایران نبود که روابط نزدیکی با بشار اسد داشت. الجزایر هم روابط نزدیکی با رئیس‌جمهور پیشین سوریه داشت، اما بعد از اینکه نظام اسد سقوط کرد، وزیر خارجه الجزایر بلافاصله به دمشق سفر کرد و با وزیر خارجه دولت انتقالی جدید دیدار و گفت‌وگو کرد. اما هنوز در رسانه‌های ما از القاب پیشین رئیس‌جمهور انتقالی سوریه استفاده می‌شود. مگر سوریه تنها کشوری در جهان است که رئیس‌جمهور آن از رهبران گروه‌های شبه‌نظامی باشند؟ مگر ما با هیچ کشوری رابطه نداریم که رئیس آن از طریق کودتا یا شورش روی کار آمده باشد؟ مگر ما با عراق که ۸ سال با ما جنگید و صدها هزار نفر از شهروندان ما را شهید و جانباز کرد روابط عادی نداریم؟ مگر با صدام حسین مذاکره نکردیم؟ چگونه است که امروز وزیر امور خارجه ما ادعا می‌کند جمهوری اسلامی ایران نمی‌تواند افرادی که به ما حمله کرده‌اند تعامل داشته باشد؟ اثر اصلی دیپلماسی در جنگ و ستیز مشخص می‌شود که می‌تواند جلوی آسیب‌ها و ضررها را بگیرد، وگرنه گفت‌وگو با دوستان و متحدان که کاری ندارد.

امروز ما ادعا می‌کنیم که روابط جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی در حال عادی‌سازی است. گفته می‌شود که عربستان سعودی علاقه‌ای ندارد که اسرائیل باعث فروپاشی حکومت در ایران شود، چرا که تعادل و توازن قوا در منطقه از بین می‌رود. این تحلیل ممکن است که درست باشد، اما واقعیت این است که این تمایل عربستان از روی خیرخواهی برای ما نیست، بلکه برای تأمین منافع عربستان است. مشکلات عربستان سعودی با ایران هنوز از بین نرفته است. وزیر خارجه عربستان سعودی در سخنرانی خود در مجمع عمومی سازمان ملل متحد، قبل از آنکه حمله اسرائیل به قطر را محکوم کند، حمله ایران را به قطر محکوم کرد. آن هم در شرایطی که اسرائیل به یک منطقه غیرنظامی در قطر حمله کرده بود و ایران به یک پایگاه نظامی آمریکا در قطر حمله کرده بود. برای عربستان سعودی حمله ایران به پایگاه العدید قطر، با هر دلیلی که حمله اسرائیل به قطر و بلکه حتی خطرناک‌تر از آن تلقی می‌شود. در حالی که ایران ادعا می‌کند که قصد دارد روابط خود را با عربستان سعودی بهبود دهد، شاهد سفر علی لاریجانی، دبیر شورای عالی امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران به لبنان هستیم که بعد از آن تقریباً همه رسانه‌ها برداشت‌شان این بود که ایران حزب‌الله لبنان را به حفظ سلاح و مقابله با

## دیپلماسی نا کارآمد منطقه‌ای تهران

در روابط خارجی و هوشمندی دیپلماتیک، توانسته‌اند جایگاه خود را در سطح بین‌المللی به شکل قابل توجهی بهبود دهند. روابط خارجی عربستان سعودی و امارات متحده عربی، با دیپلماسی هوشمندانه به شکل چشمگیری در سال‌های اخیر بهبود پیدا کرده است و اثرهای خود را در اقتصاد و توسعه این کشورها نیز بر جا گذاشته است. کشورهای عربی منطقه دیپلماسی بر اساس انعطاف، اطلاعات، هوشمندی و سرعت انتقال در پیش گرفته‌اند. تنوع‌بخشی در سیاست خارجی باعث شد که امارات متحده عربی و عربستان سعودی به عنوان میانجی قابل اعتماد در جنگ روسیه و اوکراین مشارکت کنند، در حالی که جمهوری اسلامی ایران به دلیل غش کردن سیاست خارجی به سمت مسکو، موجب خشم اروپا را فراهم کرد که آسیب‌های دیپلماتیک و اقتصادی مهمی به ما وارد کرد و شاید بتوان گفت که اسنپ‌بک نتیجه همان خطای سیاست خارجی ما بود.

ایران در استفاده از فرصت‌های سیاست خارجی بسیار ضعیف و دیر هنگام عمل کرده است. برای مثال در همین روزهای اخیر از جمهوری اسلامی ایران به صورت مستقیم دعوت شد تا در میان چندین رهبر جهانی در اجلاس صلح خاورمیانه در شرم‌الشیخ مصر به ابتکار ایالات متحده آمریکا شرکت کند. ما می‌توانستیم که با دستورکار ویژه خودمان در این نشست شرکت کنیم. در شرایطی که ما قصد داریم روابطمان را با مصر عادی‌سازی کنیم، شاید پاسخ مثبت به دعوت رئیس‌جمهور مصر برای شرکت در این اجلاس می‌توانست به بهبود روابط ما با مصر کمک کند. این اجلاس در شرایطی برگزار شد که ما در شرایط بازگشت تحریم‌های بین‌المللی پس از اقدام اروپا در فعال‌سازی مکانیسم اسنپ‌بک در شورای امنیت سازمان ملل متحد قرار داریم و اخیراً اتحادیه اروپا در بیانیه‌ای همسو با شورای همکاری خلیج فارس ادعاهای امارات را نسبت به سه جزیره ایرانی در خلیج فارس تأیید کرده است. جمهوری اسلامی ایران می‌توانست با شرکت در این نشست جایگاه دیپلماتیک خود را در عرصه بین‌المللی بهبود دهد. ایران در عین حال می‌توانست نظر خود را در مورد طرح ترامپ به وضوح بیان کند و به گوش جهانیان برساند. یکی از شعارهای ما این است که آنچه مردم فلسطین قبول می‌کنند، ما هم قبول می‌کنیم. اگر حماس و گروه‌های مقاومت فلسطینی آتش‌بس را پذیرفته‌اند و برای اجرای آن سعی می‌کنند، چرا ما نباید تلاش کنیم و در آن مشارکت کنیم؟ دستگاه دیپلماسی جمهوری اسلامی ایران باید تلاش کند تا پیش از آنکه مجبور شود امتیازی را واگذار کند، در وقت خود دست به اقدام

### محمد شریعتی دهقان

نماینده پیشین ایران در سازمان همکاری اسلامی



اخیراً گزارش‌هایی در رسانه‌های عربی و آمریکایی در خصوص همکاری‌های نظامی و امنیتی کشورهای عربی با آمریکا و همچنین یک گزارش از سوی واشنگتن پست در خصوص همکاری‌های نظامی و امنیتی ۶ کشور عربی با اسرائیل و آمریکا برای مقابله با تهدید ایران منتشر شده است. صحت و سقم چنین گزارش‌هایی فقط با مرور زمان مشخص خواهد شد و باید قرائن و شواهد روشنی وجود داشته باشد که محتوای این گزارش‌ها را تأیید کند. با این حال، هرچند ما به مدارک و شواهد اطلاعاتی دسترسی نداریم، اما با توجه به محتوایی که رسانه‌های عربی و بین‌المللی در خصوص مواضع کشورهای عربی منطقه منتشر می‌کنند، می‌توان حدس زد که چنین گزارش‌هایی قریب به صحت هستند. واقعیت این است که بعد از حمله موشکی و پهپادی سپتامبر ۲۰۱۹ به تأسیسات نفتی عربستان سعودی، نگرانی‌های امنیتی عربستان سعودی و متحدانش نسبت به خطر ایران تشدید شد. این امر باعث شد که این کشورها، آمریکا را برای تضمین‌های امنیتی و نظامی تحت فشار قرار دهند. عربستان سعودی، امارات متحده عربی و دیگر کشورهای همسوساز از حملات انصارالله یمن به تأسیسات آرامکو و خاک امارات متحده عربی، تصمیم گرفتند که رویکردهای خود را تا حدودی تغییر دهند. از جمله اقدام‌های دیپلماتیک این کشور بود که برای تحت فشار قرار دادن آمریکا، بیش از پیش به سمت روسیه و چین تمایل پیدا کردند. امروز تقریباً برای همه روشن شده است که عربستان سعودی برای دفاع از خود و ایجاد بازگرداندگی، سامانه‌های موشکی کوتاه‌برد و میان‌برد با دقت بالا از چین دریافت کرده است. این تلاش عربستان سعودی و امارات، باعث نگرانی در واشنگتن نسبت به روابط با کشورهای عربی خلیج فارس شد و باعث شد تا آمریکا در واکنش به نگرانی‌هایی که این کشورها نسبت به توان نظامی و نفوذ منطقه‌ای ایران داشتند، تلاش کند تا سازوکارهای امنیتی جدیدی در منطقه ایجاد کند که تحت نظارت آمریکا بتواند نگرانی متحدان را در منطقه برطرف کند. برخلاف جمهوری اسلامی ایران، کشورهای عربی منطقه با ایجاد تنوع

### دیپلمات نگاه

آنچه در این ستون می‌خوانید، دیدگاه‌های رسانه‌های خارجی است که صرفاً جهت اطلاع‌رسانی منتشر می‌شود و این دیدگاه‌ها موضع روزنامه «هم‌میهن» نیست.



### پایان توهم پیروزی کامل

پس از حدود دو سال جنگ و تلاش فراوان، اعتراضات برای آزادی گروگان‌ها و یک رئیس‌جمهور آمریکایی مصمم، توافقی حاصل شد که به جنگ بین اسرائیل و حماس پایان داد. دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا توانست حمایت کشورهای کلیدی عربی و مسلمان را جلب کند و آتش‌بس را به هر دو طرف تحمیل کرد. به دنبال این توافق، ارتش اسرائیل بیشتر نیروهای خود را از غزه خارج کرد و تمامی گروگان‌های اسرائیلی آزاد شدند و رهبران بین‌المللی برای یک اجلاس صلح به شرم‌الشیخ رفتند. دعوت بنیامین نتانیاها، نخست‌وزیر اسرائیل، به اجلاس شرم‌الشیخ تا زمانی که در حضور دونالد ترامپ با عبدالفتاح سیسی، رئیس‌جمهور مصر صحبت نکرد، قطعی نبود. او حتی برای لحظاتی به نشست پست میز مذاکره با محمود عباس، رئیس‌تشکیلات خودگردان فلسطینی فکر کرد اما در نهایت از حضور در اجلاس منصرف شد. این تحولات همزمان با عذرخواهی عمومی و غیرمنتظره نتانیاها از رهبری قطر، به دلیل حمله ۹ سپتامبر اسرائیل به قطر، رخ داد. موضع نخست‌وزیر اسرائیل دستخوش تغییرات اساسی شده است. او پیشتر هرگونه توافقی را رد می‌کرد و بر «پیروزی کامل» اصرار داشت اما اکنون از توافقی حمایت می‌کند. این تغییر موضع باعث بروز اختلاف با متحدان راست افراطی او شده است که احتمال دارد ائتلاف او را تهدید کند.

توافقی شامل خلع سلاح حماس، بازسازی غزه، بازگشت تشکیلات خودگردان فلسطین به غزه و ترسیم مسیری به سوی تشکیل کشور فلسطین است. بر اساس توافق، گذرگاه رفح با حضور نیروهای پلیس فلسطینی آموزش دیده در مصر بازگشایی خواهد شد که این امر عملاً به معنای بازگشت تشکیلات خودگردان به غزه است. سیاست پیشین نتانیاها بر اساس «تفرقه بینداز و حکومت کن» استوار بود که شامل تضعیف تشکیلات خودگردان در کرانه باختری و حفظ حیات حماس در غزه می‌شد. این استراتژی با حمله ۷ اکتبر ۲۰۲۳ فروپاشید. جنگ غزه منجر به انتقادهای بین‌المللی از نتانیاها شد. مقامات سعودی اعلام کردند تا زمانی که نتانیاها در قدرت است به توافقنامه‌های ابراهیم نخواهند پیوست. با وجود عدم حضور نتانیاها در اجلاس شرم‌الشیخ، تصمیمات اتخاذشده در آنجا برای دولت او الزام‌آور است. متحدان او در ائتلاف صرفاً بر آزادی گروگان‌ها تأکید دارند در حالی که طرح ترامپ ابعاد بسیار گسترده‌تری را در برمی‌گیرد. هنوز مشخص نیست واکنش متحدان نتانیاها به تحولات آتی غزه چه خواهد بود. به نظر می‌رسد نفوذ تشکیلات خودگردان در حال افزایش است. جدول زمانی خلع سلاح حماس نامشخص است و مسیر تشکیل کشور فلسطین نیز اکنون با حمایت گسترده بین‌المللی همراه است.

در صورتی که اسموترتیج و بن‌گویر استعفا دهند، دولت نتانیاها می‌تواند تا انتخابات سال ۲۰۲۶ به حیات خود ادامه دهد اما احتمال برگزاری انتخابات زودهنگام نیز وجود دارد. نظرسنجی‌ها حاکی از آن است که حزب لیکود در حال حاضر قادر به تشکیل ائتلاف نیست. در نتیجه، نتانیاها ممکن است برای به تعویق انداختن انتخابات تلاش کند. او پیشتر تهدید کرده بود در صورت نقض مفاد توافق، جنگ را از سر خواهد گرفت اما به نظر می‌رسد حتی متحدان راست افراطی او نیز اکنون دریافته‌اند که با توجه به عزم ترامپ برای پایان دادن به جنگ، انجام این کار غیرممکن خواهد بود. سیاست‌های نتانیاها یک به یک با شکست مواجه شده‌اند اما هنوز هم حامیان بسیاری دارد. ابهامات زیادی نیز در مورد آینده کرانه باختری وجود دارد و مشخص نیست که آیا راست‌گرایان افراطی اجازه گسترش شهرک‌سازی را خواهند یافت یا خیر. در شرایط فعلی، اپوزیسیون ضعیف اسرائیل باید با ارائه یک مسیر متفاوت به سوی صلح، نخست‌وزیر را به چالش بکشد. تنها در این صورت می‌توان امید داشت که سیاست و سرنوشت اسرائیل از جنگ‌های بی‌پایان و توهم «پیروزی کامل» به سوی گفت‌وگو و صلح تغییر مسیر دهد.